

رفاقت امام جماعت مسجد فاطمه الزهرا (س)
با نوجوانان، به محله رونق داده است

نذر فرهنگی روحانی «خطیب»

معصومه فرماتی کیا به بچه‌های حاشیه‌شهر ایمان دارد. وقتی می‌بیند چند نفر از جوانان محله، قدرت مدیریت ۲۵۰ خانوار شهرک خطیب را دارند، خیالش جمع می‌شود که تلاش فرهنگی، حتی در بافت حاشیه‌شهر به نتیجه می‌رسد و ایمان دارد که میدان دادن به این نوجوانان و جوانان حاصلش درختی پربرگ و بار است که خیلی‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند. حجت الاسلام والمسلمین علی پورحسین، چهره جوان محله است که کارش برگزاری نمازهای یومیه مسجد فاطمه الزهرا (س) و اجرای برنامه‌های فرهنگی مسجد است. خصوصاً خوبی دارد که به کمکش آمده است تا کارها را بهتر پیش ببرد. پر جنب و جوش و پویاست و برای خدمت به حاشیه‌شهر قرار ندارد. او عضو کانون تمدنی بینات، زیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی هم هست؛ این کانون قرار است طرحی به نام «محله امام رضا (ع)» را در شهر اجرا کند و پورحسین مطمئن است این طرح برای فردای مشهد کلی منفعت دارد.



تصویر عکس: رسول کارگر/شهرآرا

اما از رسم و رسوم متعارف جامعه، هراس دارند. وظیفه ماست که برای این ترس و دلهره چاره‌ای پیدا کنیم. غیر از مساجد، ما این اطراف سالن خالی نیز زیاد داریم و فقط همت می‌خواهد که چند نفر، آن‌ها را برای برگزاری مراسم ازدواج آماده کنند. باور کنید اگر همین گام ساده برداشته شود و دو نفر به موقع بروند سر زندگی مشترک، در کاهش آمار ناهنجاری‌ها تأثیرگذار است. پورحسین از این می‌گوید که اسلام دین سلامت و شادی است و موضوع طرح «عطر» را به میان می‌آورد که یکی دیگر از برنامه‌های محله امام رضا (ع) است؛ برنامه‌ای که او خودش می‌خواهد آن را اجرا کند و می‌داند حتماً بسیار طرفدار پیدا می‌کند. می‌گوید: خیلی از مساجد موقوفه دارند. اگر هم نداشته باشند، مانذورات زیاد داریم که هم برای اموات است و هم برای دیگران. چه اشکالی دارد از محل همین مذورات هر چند وقت یک‌بار، عطر بین نمازگزاران توزیع شود؟ بعد حرف‌هایش را تکمیل می‌کند: این عطرها گیاهی برای آرامش و اعصاب و خیال بسیار مؤثر هستند. گرچه طرح هنوز در حال تکمیل شدن برای اجرای بهتر است، حاج‌آقامی داند اجرای آن، حال خیلی از آدم‌های محله را خوب می‌کند و حال محله که خوب باشد، مشهد پیشرفت می‌کند.

اجرای سبک زندگی اسلامی

با اینکه فعالیت‌های مسجد شهرک خطیب بیشتر فرهنگی است، آن‌هایی را هم که درآمد چندانی ندارند و جیبشان خالی است، فراموش نکرده‌اند. کار خرید بسته‌های غذایی و تحویل آن‌ها به خانواده‌ها را حاج‌آقا با کمک نوجوانان محله انجام می‌دهد. البته هیچ‌وقت از سبک زندگی اسلامی غافل نمی‌ماند و برای آن هم قدم برمی‌دارد. می‌گوید: هر کس باروضه امام حسین (ع) اخذ شود، نیم بیشتر راه را رفته است. دوست دارم بچه‌ها عاشق این مجالس بشوند. فکر کردم چه کاری می‌توانم انجام دهم؛ دیدم بچه‌ها توزیع بسته‌های معیشتی را با جان و دل انجام می‌دهند و گفتم حالا که کمک را دوست دارند، پول جمع کنیم و بساط روضه را در خانه نیازمندان برپا کنیم. نمی‌دانید بچه‌ها چه ذوق و شوقی برای کمک دارند. ما آدم خوب کم نداریم؛ باید طرح خوب داشته باشیم.



و به او اعتماد می‌کنند و خصوصی‌ترین حرف‌هایشان را به پیش نماز مسجدشان می‌گویند. می‌گوید: سن بلوغ در نوجوانان کاهش یافته و به مرز ۹ تا ۱۰ سال رسیده است؛ این موضوع باعث افزایش آسیب‌هایی در آن‌ها شده است. متأسفانه خانواده‌ها از این مشکلات بی‌خبرند یا به قدری گرفتار روزمرگی و امرار معاش هستند که به این آسیب‌ها توجهی نمی‌کنند؛ در همین راستا برنامه‌های مختلف تفریحی را پیش‌بینی کرده‌ایم تا بچه‌ها سن بلوغ را با مشکلات کمتر پشت سر بگذارند. پورحسین، دوره‌های دوستانه و اردوهای دانش‌آموزی را فرصتی در این زمینه می‌داند و می‌افزاید: هر وقت فرصت کنم، این دست برنامه‌ها را در محله اجرامی کنم و اغلب استقبال خوبی هم از آن می‌شود. او این طور حرفش را ادامه می‌دهد: هیچ وقت بچه‌ها را به خواندن نماز مجبور نمی‌کنم. وقتی اذان می‌شود و افراد پشت سرم به نماز می‌ایستند، همین روی بچه‌ها تأثیر می‌گذارد و آن‌ها هم به صف نماز جماعت می‌پیوندند. بعد از نماز در فضایی دوستانه و صمیمانه، با زبان نوجوانان، به آن‌ها گوشزد می‌کنم که چه خطراتی تهدیدشان می‌کند و باید مراقب باشند و هر وقت و هر جایی نیاز بود، خانواده را از مشکلاتشان آگاه کنند.

طرح‌هایی برای مشهد آینده

این روزها اجرای طرح «محله امام رضا (ع)» که در کانون تمدنی بینات پیگیری می‌شود و او یکی از اعضای آن است، تمام فکر و ذهنش را پر کرده است. می‌گوید: این طرح‌ها برای مشهد آینده است و موضوعات مختلف را شامل می‌شود؛ آموزش و پرورش، اقتصاد، امنیت، سلامت و... با هر جمله‌ای که به زبانش می‌آید، این عبارت را هم بلافاصله بیان می‌کند: ایمان دارم در هر محله استعداد و پتانسیل زیادی هست که می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. حرفش را با مثالی روشن می‌کند و ادامه می‌دهد: همین محله ما و مجاور آن را فرض کنید؛ خانواده‌ها مجبورند برای استفاده از مجموعه‌های آموزشی، ترفیخ خیابان‌ها و شهر را تحمل کنند تا به مرکز شهر برسند. طرح «مدرسه در مسجد» یکی از موضوعات پیشنهادی در کانون است تا از ظرفیت‌های مجموعه‌های مذهبی برای برنامه‌های آموزشی استفاده شود.

سهیم شدن در چرخه فعالیت‌های خیرخواهانه

پورحسین خودش مسجدی است و می‌داند مجموعه‌های مذهبی چقدر می‌توانند در یک محله‌گره‌گشا باشند؛ البته از کنار فعالیت‌های فعلی‌شان نیز نمی‌گذرد. می‌گوید: نمی‌گویم که اکنون کاری انجام نمی‌دهند اما می‌توانند خیلی بیشتر از این‌ها در چرخه فعالیت‌های خیرخواهانه سهیم باشند. جوانان بسیاری به سن ازدواج رسیده‌اند

از کودکی برای برنامه‌های فرهنگی نقشه می‌ریختم

پورحسین بزرگ شده حاشیه‌شهر است و دل بسته آن؛ به همین دلیل بعد از ازدواج هم ترجیح داده است به جای مهاجرت به دیگر محله‌ها در مجتمع علویه پنج تن سکونت کند. می‌گوید: در محله خواجهر بیع بزرگ شدم. پدرم کارگر بود. من رنج نبود خیلی چیزها در این محلات را حس کرده بودم. دوست داشتم فعال فرهنگی شوم. از همان بچگی، کلی طرح و نقشه داشتم و ساعت‌های فراغت و خلوتی که پیش می‌آمد، در باره طرح‌هایم فکر می‌کردم. ناگفته نماند که پدر بزرگ مادری ام و چند نفر دیگر از اعضای خانواده، درس دینی خوانده بودند و این موضوع در مسیر انتخابی ام برای آینده بی‌تأثیر نبود. طلبگی را خیلی دوست داشتم و افتادم در این خط و بسیار هم خوشحالم.

به اجرای سبک زندگی اسلامی فکر می‌کنم

حاج‌آقای روایت ما از همان دوران مدرسه، روحیه جهادی داشته است و فعالیت‌های فرهنگی را شروع می‌کند. سال سوم راهنمایی رئیس شورای دانش‌آموزی منطقه تبادکان شد. کوتاه و خلاصه می‌گوید: کار فرهنگی دغدغه‌ام بود و از همان دوران مدرسه فعالیت را شروع کردم. طرح‌ها و پیشنهادهای مختلفی می‌دادم. هر جا هم برنامه‌ای بود، حاضر می‌شدم. اگر امام جماعت نمی‌آمد، به جای نماز را برپا می‌کردم. خدا را شکر بچه‌ها و هم‌کلاسی‌ها به من اعتماد داشتند. این دغدغه‌ها با من بزرگ و بزرگ‌تر شدند. بعدها به اجرای سبک زندگی اسلامی بین خانواده‌های محله‌ام فکر می‌کردم و هنوز هم این موضوع در اولویت برنامه‌های من است.

فرصت تبلیغ در اردوهای آموزشی

او وقتش را وقف نوجوانان و جوانان کرده است و برای آن‌ها خیلی وقت و انرژی می‌گذارد و او اصلایکی از دلایلی که حاج‌آقا بین بچه‌های خطیب این همه محبوبیت دارد، همین است که عبا و عمامه را برمی‌دارد و می‌رود به زمین خاکی؛ با بچه‌ها فوتیال بازی می‌کنند و گپ می‌زنند و می‌خندند و از همه بهتر اینکه بچه‌ها او را به عنوان رفیق قبول دارند

